

شهر اسلامی، شهری ورای گنبد و مناره

جمال محمدی^۱، سعیده مویدفر^{۲*}، اعظم صفرآبادی^۲

^۱دانشیار دانشگاه اصفهان

^۲دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

^۲دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱ تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۳۰)

چکیده

شهر، زیستگاه انسان، محیط و خاستگاه مدنیت و بستر زندگی اجتماعی آدمیان، زیستاری است چند مولفه‌ای که ویژگی‌های سرزمینی، سازه‌ها و فضاهای کالبدی ساکنان، شهروندان، نهادهای اجتماعی، روابط و مناسبات شهروندی و هنجارهای نهادینه از آن شمار شده است. با توجه به این تعریف از شهر، تنها وجود مساجد، گنبدها و مناره‌ها در بافت یک شهر نمی‌تواند به معنای اسلامی بودن آن شهر باشد، شهر اسلامی عبارت از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی است که بر اساس ایده‌آل‌های اسلامی، شکل‌های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را در آن وارد کرده است. در شهرهای اسلامی، مظاهر تمدن اسلامی نمود دارد و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی و تاریخی است که ویژگی‌های آن در ارتباط با دین اسلام و از قرآن و سنت نشأت گرفته است. در این شهرها ارتباط ذاتی، کلی و ساختاری بین یک دین و فضای ساخته شده شهری و مناسبات فردی و اجتماعی مشاهده می‌شود. فضای معنوی زندگی انسان‌ها در شهر اسلامی با واژه‌هایی چون شهر مقدس، مدینه فاضله و... گویای این حقیقت‌اند که پیش‌تر از آن که ایده‌ای به نام شهر اسلامی مطرح شود، هویت معنایی و معنوی فضای زیست انسان‌ها، بر کالبد و ساختار شهر پیشی داشته است. بر این اساس، تحقیق حاضر بر آن است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با در نظر گرفتن ارکان و عناصر شهر اسلامی و لحاظ نمودن ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... در یک شهر اسلامی، به این هدف دست یابد که تنها وجود ویژگی‌های کالبدی و ظاهری اسلامی همچون گنبد و مناره در یک شهر اسلامی، نمی‌تواند ارائه دهنده یک شهر اسلامی باشد؛ در نتیجه با بهره‌گیری از الگوی SWOT، ارائه راهبردهایی در این خصوص می‌تواند تا حدودی شهرهای ما را به اصالت واقعی خود نزدیک گرداند.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی، گنبد، مناره، صفت اسلامی، ارزش اسلامی.

راهکاری اجرایی برای برنامه ریزی شهرهای موجود به سمت شهر اسلامی ارائه داده است.

۱. پیشینه تحقیق

از نظر زمانی، توجه متمرکز و حرفه‌ای اندیشمندان غربی به موضوع شهر و شهرسازی اسلامی به طور عمده از اوایل قرن بیستم آغاز شد و شهر اسلامی نخستین بار در ربع اول قرن بیستم به یک موضوع جدی تحقیقی بدل گردید. پس از آن مطالعات مختلفی صورت گرفت و مقالاتی در این زمینه انتشار یافت. با توجه به تنوع دیدگاه‌ها و برداشت‌ها از مفهوم و اصطلاح شهر اسلامی، منابع موجود در این زمینه نیز بسیار متنوع و پراکنده است. برخی از منابع شهر اسلامی را به صورت موردی، بررسی نموده‌اند. نظیر مطالعه شهر فاس، قاهره، دمشق و غیره. برخی منابع به مسائل هنری و معماری در شهر اسلامی پرداخته و برخی از منابع نیز ویژگی‌ها و عناصر تشکیل دهنده شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را بررسی کرده‌اند. به علاوه، تعدادی از منابع، مطالعه تاریخی را شامل می‌شوند. پاره‌ای از منابع نیز شهر اسلامی را به عنوان شهر دینی مطرح ساخته و به ویژگی‌های ذکر شده از شهر در قرآن و آرمان شهر دینی و شهر منتظران پرداخته‌اند. به طور کلی می‌توان گفت، تحقیقات انجام شده در مورد شهرهای کشورهای اسلامی بیشتر به صورت مطالعه موردی، تاریخی و توصیفی بوده و پژوهشی در زمینه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و ... در زمینه شهر اسلامی کمتر صورت گرفته است.

۲. نظریه‌های پیدایش شهرهای اسلامی

بسیاری از مورخان غربی و شرقی، پیشرفت در تولید اقتصاد کشاورزی را عامل اصلی پیدایش شهرهای نخستین می‌دانند. این نظریه مورد پذیرش کسانی که شهر اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌اند، نیز قرار گرفته است (توسلی، ۱۳۷۹: ۳۶-۳۴).

برخی معتقدند که در پی افکنی این شهرها نخستین گام، گزینش جایگاه آن است که در اصل، با دسترسی به آب و وجود راه‌هایی برای پیوستن به کانون‌های شهری دیگر صورت می‌گیرد. با ورود اسلام به سرزمین‌های فتح شده، به دلایل گوناگون نیاز به بنیان شهرهای جدید برای اسکان مسلمانان در آن‌ها و گاه به عنوان اردوگاه نظامی احساس گردید و به این ترتیب در قلمرو اسلامی شهرهایی پدید آمد که از آن‌ها به «شهرهای بنیاد یافته در دوره پیش از اسلام» تعبیر می‌گردد، ولی علاوه بر این شهرها مسلمانان در توسعه، رشد و آبادانی شهرهای مربوط به دوره پیش از اسلام نیز از خود توجهی وافر نشان دادند که از آن‌ها به عنوان «شهرهای توسعه یافته در دوره اسلامی» یاد شده است (عریان، ۱۳۷۴: ۱۲-۷).

شهرهای عربی اسلامی را به سه گونه می‌توان تقسیم نمود: شهرهای برنامه‌ریزی شده و طراحی شده مانند شهر مدور بغداد، شهرنوسازی شده یا تغییر شکل یافته پیش از اسلام مانند الپو (حلب) و شهر خودانگیخته، با رشد تدریجی (شهر ارگانیک).

همچنین شهرهای اسلامی براساس منشاء شکل‌گیری، به سه گونه تقسیم می‌شوند: دو گونه اول زیستگاه‌های موجودی‌اند که یا

یکی از بهترین گزینه‌هایی که می‌تواند شهرهای ما را برای سکونت و زیست همه جانبه مادی و معنوی مسلمانان متناسب گرداند، بهره‌وری عالمانه و مدبرانه از پشتوانه‌های تاریخی خود برای ترمیم و بهسازی موقعیت‌های تقویمی است (باوندیان، ۱۳۸۷: ۱).

مولفه‌های سرزمینی و محیطی، سازه‌ها و امکانات و فضاهای کالبدی، شهروندان و ساکنان شهر، روابط و مناسبات حاکم بر شهرنشینان، نهادهای اجتماعی شکل یافته در سامانه شهری، پیوندها و ارتباطات با سایر شهرها و فرایند تحقق و تکوین مدنیت در ساختار شهری، مجموعه‌ای از مولفه‌هایی هستند که قوام و استواری شهر به آن‌ها وابسته است. براین اساس شهر یک زیستار است نه یک هستار، زیستاری زنده، زاینده، رویشگر، رشد یابنده و رشد دهنده (عماد و سنایی راد، ۱۳۸۷: ۲۹۰).

هر شهر با توجه به هویت کالبدی و معنوی‌اش معنا می‌شود. همچنان که اقلیم و آب و هوا در ساختار شهرها تأثیر می‌گذارند، نوع نگاه و اندیشه‌های شهروندان یک شهر هم بر هویت آن شهر مؤثرند و هویت یک شهر در قالب مادی شهر و در ساختار آن، تجلی پیدا می‌کند. از این رو هویت معنوی، هم در رفتارهای شهروندی و هم در چهره شهر نمود عینی دارد (www.hamshahronline.ir). شهر اسلامی چه خصوصیاتی دارد؟ آیا شهری است با گنبد و مناره‌های متعدد، برخوردار از مکان‌های مذهبی متنوع، دارای چهره تاریخی و باستانی مانند شهرهای اوایل اسلام و یا شهری است با انسان‌هایی موحد؟ چیستی و چگونگی «شهر» و «شهر اسلامی» در آموزه‌های اسلامی، محمل و منشأ مباحث گسترده و دنباله داری است که نیازمند ژرف‌نگری و پژوهش وسیع در منابع ارائه کننده این آموزه هاست. شهر اسلامی علاوه بر موقعیت طبیعی و محلی و ویژگی‌های کالبدی، بازتاب دهنده ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عام جامعه نیز هست. در یک شهر اسلامی علاوه بر حاکم بودن اصول اسلامی و ارکان خاص آن، قبل از هر چیز رفتارهای شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی و سنت‌های پیامبر (ص)، از اسلامی بودن شهر حکایت می‌کنند. هر شهر پر از مسجد و گنبد و مناره‌ای، شهر اسلامی نیست و این تجلی اندیشه‌ها و اعتقادات اسلامی شهروندان در سیمای شهر است که هویت آن را نشان می‌دهد. شهر اسلامی برآیند محیط، محاط و پیوندهای اجتماعی، هنجارها، کنش‌ها و واکنش هاست. با چنین رویکردی است که با پذیرش نقش و سهم شهروندان و حاکمان و مدیران شهری، شهر می‌تواند به مرتبه‌ای از کرامت و منزلت برسد که قابل سوگند خوردن باشد. لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ. وَأَنْتَ جَلَّ بِهَذَا الْبَلَدِ (قرآن مجید/سوره بلد، آیه ۱ و ۲) (عماد و سنایی راد، ۱۳۸۷: ۲۹۱).

بر این اساس، این مقاله به صورت توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، خصوصیات شهر اسلامی را نه تنها بر اساس ویژگی‌های کالبدی، بلکه بر اساس ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و حتی حقوقی مورد بررسی قرار داده و

مانند اربیل رشد ارگانیک داشته یا مانند دمشق دارای منشاء طراحی شده یونانی- رومی بوده‌اند که هر دو گونه با توسعه اسلامی، به تدریج در محدوده سرزمین‌های اسلامی قرار گرفتند. سومین گونه، شهرهای جدیدند که ارتش‌های مسلمانان در سرزمین‌های فتح شده بنیان گذاردند که تونس نمونه‌ای از آن است (مورس، ۱۳۸۱: ۳۰). بنابراین می‌توان گفت که علل و اهداف پیدایش شهرهای اسلامی در نقاط مختلف متفاوت بوده است؛ همچنین علت پیدایش و تکامل این شهرها رابطه تنگاتنگی با فرهنگ اسلامی که خود تا حد زیادی متأثر از تاریخ تمدن اسلام است، دارد. براساس نظریه ساخت فرهنگی؛ راپپورت که از جمله اندیشمندان فرهنگ‌گرا است، ساختار یک مجتمع زیستی را از نظر ویژگی‌های فرهنگی مورد دقت قرار داده و معتقد است که عامل فرهنگی به ویژه اعتقادات مذهبی مردم، اساس ایجاد زیستگاه‌های انسانی بوده است. وی اساس عمل نظم‌دهی به سکونت‌گاه‌ها را مذهب دانسته که بیشتر، به شیوه‌ای نمادگرایانه صورت می‌گرفته است. او بر این باور است که ذهن انسان به طبقه‌بندی پدیده‌ها پرداخته، به همه چیز نظم داده و الگویی آگاهانه برای محیط زیست خود به وجود می‌آورد. مجتمع‌های زیستی، ترکیب ساختمان‌ها و منظره‌ها، همگی حاصل این فعالیت ذهن انسان است که همانا بخشیدن بیانی کالبدی به ایده‌ها و تبدیل آن‌ها به ابزاری تدارک دهنده است (راپپورت، ۱۳۶۶: ۱۹).

۳. اصول و ارزش‌ها در شهر اسلامی

عناصر و مفاهیم موجود در شهر که تذکر دهنده انسان به اصول و ارزش‌ها باشند، به طور کوتاه متشکل از دو گروه طبیعی (آیات الهی) و انسان ساخته (سمبل‌ها و نشانه‌ها) هستند. منظور از سمبل‌ها و نشانه‌ها، شکل‌ها و آن دسته از عناصر شهری و اجزای معماری‌اند که در طول تاریخ برای اکثریت آحاد جامعه معنا و مفهومی بویژه معنوی و روحانی خاص خود را دارند؛ مثل سیمای یک عنصر شهری همچون مسجد یا حسینیه، هم‌جواری برخی عناصر شهری در یک مجموعه مثل مسجد، بازار، مدرسه و ... یا شکل‌هایی چون گنبد و قوس یا طرح‌هایی چون طرح‌های اسلیمی و یا حتی رنگ‌ها و بی‌رنگی‌هایی در شهر که می‌توانند ارزش‌هایی را برای مردم یادآوری نمایند (نقی زاده، ۱۳۷۷: ۷۸).

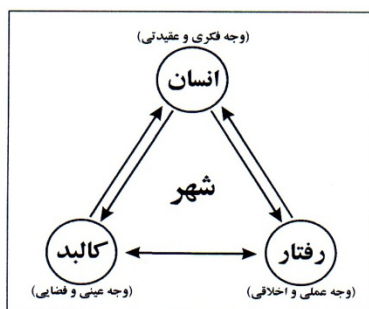
از اصولی که ملبس شدن به آن، لازمه حیات روحانی، معنوی و اسلامی انسان و همچنین تنظیم‌کننده فعالیت‌های مادی او می‌باشد، اصل تقوی است. این لباس و ارزش به حدی تعیین‌کننده است که خداوند تبارک و تعالی تنها وجه امتیاز و کرامت انسان‌ها بر یکدیگر را تقوی ذکر می‌فرماید. اهمیت تقوی به حدی است که در اصل، شرط بهره‌مندی از هدایت قرآن کریم تقوی است و بسیاری از کردارها و ممنوعیت‌های ذکر شده در تعالیم اسلامی در جهت متقی شدن انسان است (طباطبایی ۱۳۹۸ ق)، بنابراین می‌توان گفت که شهر اسلامی بایستی بتواند زمینه رشد تقوی الهی را در انسان‌ها فراهم نموده و از هر آنچه امکان بروز گناه و خدشه به تقوای الهی را سبب شود جلوگیری به عمل آورد تا شهر بتواند محل نزول برکات الهی باشد.

توحید به عنوان اصل اساسی اسلام، بنا به گفته بیشتر محققان

در علوم و هنرها و تمدن اسلامی، در هدایت جنبه‌های مختلف این تمدن نقشی اساسی ایفا نموده است. بنابراین می‌توان گفت همه صفات و اصول، وحدتی است که بتواند تجلی و یادآور وحدانیت الهی باشد (نقی زاده، ۱۳۹۰: ۱). اصل وحدت به عنوان تجلی تفکر توحیدی، از مقولاتی است که در علوم و فنون و هنرهای مختلف مورد توجه مسلمانان بوده است.

۴. ارکان شهر اسلامی

برای ظهور شهر اسلامی، همانند ظهور هر شهری، انطباق و همپوشانی سه فضا یا سه عنصر، به عنوان ارکان آن ضرورت دارد. این سه عنصر عبارتند از: فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی یا فضای کالبدی. در حقیقت شهر اسلامی فقط کالبد نیست و علاوه بر کالبد، دو مقوله مهم دیگر نیز در تعریف و تجلی آن ایفای نقش می‌کنند. اصلی‌ترین عنصر، انسان است که البته مهم‌ترین مقوله مربوط به او نیز وجه فکری یا به عبارتی ایمان اوست. به این ترتیب است که می‌توان ایمان اهل یک شهر را مهم‌ترین عامل و عنصر شکل‌دهنده و تعریف‌کننده شهر اسلامی نامید. عنصر بعدی قوانین حاکم بر شهر و بر همه روابطی است که بین انسان‌ها و طبیعت و آثار انسانی حاکم‌اند.

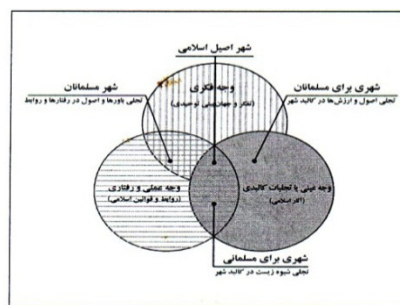


نمودار شماره ۱: رابطه سه عنصر اصلی مؤثر در ظهور شهر اسلامی

اگر این سه وجه یا سه قلمرو را به صورت دایره‌های متقاطعی نشان دهیم، بهترین حالت، وقتی است که این دایره‌های هیچ نقطه مشترکی با یکدیگر نداشته باشند، اما در حالت معمول می‌توان آن‌ها را به صورتی ترسیم کرد که با یکدیگر سطوح مشترکی داشته باشند. در صورت داشتن سطوح مشترک، چهار نوع شهر برای جامعه اسلامی قابل شناسایی است:

یکی شهری که انسان‌هایی معتقد به اصول اساسی اسلام، در آن زندگی و براساس دستورات اسلام عمل می‌کنند، که آن را شهر مسلمانان می‌نامیم. دیگری شهری است که در آن مسلمانان در کالبدی اسلامی زیست می‌کنند که با عنایت به دستورات اسلامی بنا شده‌اند، و می‌توان آن را شهری برای مسلمانان نامید. سومین محدوده که آن را شهر مسلمانی می‌نامیم، نشانگر شهری است که در آن رفتار اسلامی جریان دارد و کالبد شهر نیز براساس اصول و ارزش‌های اسلامی ساخته شده است و بالاخره فضای مشترک سه دایره است که از آن به عنوان مصداق شهر اصیل اسلامی یاد می‌کنیم و در آن مسلمانان موحد براساس دستورات و اخلاق اسلامی عمل و رفتار می‌کنند و توانسته‌اند کالبد مناسبی را نیز به وجود آورند که

تجلی گاه ارزش‌های اسلامی باشد و آنان را در مسلمان زیستن یاری نماید (نقی زاده، ۱۳۸۹: ۷).



نمودار شماره ۲: رابطه عوامل سه گانه در شکل‌گیری شهرهای اسلامی

۵. ویژگی‌های کالبدی شهرهای اسلامی

در سرزمین‌های اسلامی، شهر اسلامی، مجموعه‌ای است از محله‌های متجانس و همگن که بر اساس رابطه‌ها، تناسب‌ها، شکل و وابستگی‌های قومی، مذهبی، حرفه‌ای یا سرزمینی در مکانی مشخص مجتمع شده و هویت و اصالت خود را سال‌ها به همین صورت نگاه داشته‌اند.

درباره نقش و اهمیت شهر در تمدن اسلامی باید گفت، بیشتر کسانی که به بررسی آثار و بناها و شهرهای اسلامی و تاریخ تمدن اسلام پرداخته‌اند، بر این باورند که اسلام، دین شهری است و اهمیت شهر تا حد زیادی منبعث از اراده سیاسی دولت‌های اسلامی بوده است چرا که دولت اسلامی در شهر تولد یافته است (احمدیان، ۱۳۸۲: ۶۱). بسیاری معتقدند که شهر یک کار هنری است که یک خصیصه اساسی آن معماری است و جنبه زیبایی‌شناختی آن بی‌طرفانه نیست بلکه طراحی‌های معماری در آن دلالت بر معنا و مفهومی دارد که بخشی از چشم‌انداز فرهنگی (دین و ایدئولوژی) محسوب می‌شود (Robertson, 2003:19).

شهرهای جهان اسلام از لحاظ ساختمان کلی، شکل و معماری در موارد بسیاری شبیه یکدیگرند و با مساجد، گل‌دسته‌ها، مناره‌ها، نقش قبله در ایجاد مکان‌ها، بازارها، محله‌ها، واحدهای همسایگی، تکیه‌ها، مدرسه‌های دینی و ... قابل شناسایی و بررسی هستند. به علاوه شهرهای اسلامی، به جز چندتایی در میان دیوارهای بلند محصور بودند و شکل نقشه زمینی آن‌ها، بیشتر مستطیلی بود. بیشتر دیوارها، کنگره‌هایی به عنوان سنگر و یک‌دسته برج مراقبت داشتند.

یکی از ویژگی‌های مهم شهرهای اسلامی جدایی ناحیه‌های مسکونی و تجاری بود. مرکز محله تجاری، به طور معمول، مسجد جامع یا مسجد جمعه بود که به نوبه خود بر نظام بسیاری از فعالیت‌های محیط اطراف تأثیر می‌گذاشت و همیشه مدرسه‌ای در کنار آن قرار داشت. در نزدیکی آن پیشه‌ورانی برای تأمین نیازهای مسجد و مدرسه به کار و کسب‌هایی همچون صحافی، کتاب‌فروشی، تزیین چرم و غیره اشتغال داشتند. سپس پینه‌دوزان، درودگران، خیاط‌ها و قالی‌بافان و پس از آن صاحبان حرفه‌هایی که فضا را از بو و سر و صدا پر می‌کردند، همچون فلزکاری، دباغی و رنگرزی قرار می‌گرفتند. حرفه‌هایی که بیش از همه به سود روستاییان بود،

بیش‌تر در نزدیک‌ترین فاصله به دروازه‌های شهر دایر می‌شد، که از آن جمله به زین‌سازی و نعل‌بندی می‌توان اشاره کرد.

از ویژگی‌های اصلی منظر شهری شهرهای اسلامی، وجود مساجدی با مناره‌های بلند و گنبد‌های فیروزه‌ای است که مسأله تسلط بر سایر بناها در مورد آن‌ها مصداق دارد. این بلندی اعم از بلندی معنوی و روحانی و بلندی فیزیکی و مادی است. همچنین کالبد مسجد باید تسلط روانی و فیزیکی خود را حفظ نماید (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۷۶). یکی دیگر از ویژگی‌های عمومی شهر اسلامی، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی مشابه در بازار یا سوق بود. دلایل زیادی برای این مسأله بیان شده است؛ اما دلیل عملی آن را می‌توان در اصل به مهارت‌های سنتی برخی از قبایله در چند رشته شغلی نسبت داد. نظام صنفی نیز که یکی از وظایف آن، حفظ رازهای شغلی بود، موجبات تمرکز پیشه‌ها را فراهم می‌کرد، در حالی که در مورد جواهر فروشان نیاز به امنیت، دلیل عملی آشکاری برای نزدیکی هر چه بیشتر آنان به یکدیگر بود. همبستگی در برابر شیوه‌های استبدادی اخذ پول نیز شاید در این مسأله نقش داشته است (بیومونت، ۱۳۶۵: ۲۵).

از مشخصات جغرافیایی شهرهای اسلامی، حالت درون‌مرزی بودن آن‌هاست. به این گونه که که بیشتر شهرهای اسلامی در داخل کشورها و در داخل خشکی‌های نواحی جغرافیایی به وجود آمده و به اعتبار رسیده‌اند؛ نظیر ری، اصفهان، تبریز، نیشابور، قاهره، قونیه، دمشق، حلب، بغداد و موصل. در شهرهای اسلامی، معمار مسلمان کوشش کرده است که اثرات خشونت بار آب و هوا را با طرح‌های معماری تعدیل کند. سقف پوشیده بازارها، حیاط بزرگ و پر درخت مساجد و خانه‌ها، آب نماها و حوض‌های بزرگ خانه‌ها، کاروان‌سراها، دیوارهای گلی و بلند واحدهای مسکونی و ایوانخانه‌ها، همه در جهت جلوگیری از شرایط نامساعد آب و هوا و زیباسازی و سالم‌سازی محیط زیست شهری صورت گرفته است (شکویی، ۱۳۷۲: ۱۹۲-۱۹۱).

۶. شهر اسلامی یا شهر گنبد‌ها و مناره‌ها

پذیرش این مسأله که وجود مساجد، گنبد‌ها و مناره‌ها در بافت یک شهر نمی‌تواند به معنای اسلامی بودن آن شهر باشد، این امر را بدیهی می‌سازد که باید در عناصر و مؤلفه‌های دیگری که نه تنها کالبد، بلکه روح و هویت شهرها را می‌سازند به دنبال نشانه‌هایی از زیست مسلمانان و الگوهای یک شهر اسلامی بود.

هویت به معنای هستی، ماهیت و سرشت، آن چیزی است که موجب تمایز بخشیدن به شیء یا موجود و شناسایی "من" یا "ما" از غیر می‌شود. این مفهوم برای تمام عناصر اجتماع مثل فرد، خانواده، شهر و کشور مصداق دارد و احساس آن کارکردی مهم در هدفمند کردن زندگی فردی و اجتماعی ایفا می‌کند که بدون آن زیستن در هیچ سطحی ممکن نیست. شهرها به عنوان نمایندگان تمدن و فرهنگ بشری، هر یک دارای ویژگی‌های مخصوص به خود هستند که در چهار بعد هویت تاریخی، کارکردی، جغرافیایی و شهروندی قابل شناسایی و بررسی‌اند. هویت تاریخی، پیشینه یک شهر است که همچون کارنامه‌ای مکتوب یا شفاهی در نزد ساکنانش و دیگران ثبت

و از آن تصویری مطلوب یا نامطلوب می‌سازد. شناخت این تصویر که باید در کنار دیگر ابعاد هویتی بررسی شود، به درک بهتری از ویژگی‌های شهروندان و ویژگی‌های کالبدی شهر می‌انجامد و توجه به آن در برنامه‌ریزی آینده شهرها ضرورتی غیر قابل انکار است (رضایی برجکی، ۱۳۸۵: ۲۱).

بی‌شک حضور نماهای متنوع در بدنه شهر که هر کدام متعلق به سبک‌های گذشته، و یا موجی نوست، معرف شأن چنین جامعه شهری اصیل و با هویت نیست. چنین است که باید نسبت به تعریف طرحی اهتمام ورزید که به بدنه شهر انسجام، یک‌رنگی و هویت بخشد. معنای این حرکت نه به معنی سلب یا کاهش برد خلاقیت معماران؛ که به معنی تلاش برای ساختن بستری است که به رشد توأم هنر شهرسازی و معماری می‌انجامد (پهلوان، ۱۳۸۵: ۲۳).

متفکران اسلامی، شهر اسلامی را عبارت از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی می‌دانند که بر اساس ایده‌آل‌های اسلامی، شکل‌های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را در آن وارد کرده است (بمات، ۱۳۶۹: ۱۱). بنابراین در شهر اسلامی، شکل به دنبال معنا تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوا اخذ می‌کند و این متأثر از بنیان‌های نظری هنر معماری اسلامی است که نسبت قالب و محتوا همچون نسبت روح و کالبد در بنیان‌های جهان‌شناختی اسلامی است، همچنان که در جهان‌بینی اسلامی و قرآنی ماده به کرامت معنا شرافت می‌یابد و از هویت سفلی خویش خارج شده، به نورانیت معنا منور می‌شود (نقی زاده، ۱۳۹۰: ۵۸).

قالب نیز در هنر اسلامی شکلی متناسب با شرافت محتوا دارد و بر خلاف برخی مکاتب هنری که گاهی اثر در مقابل معنا و نیز اخلاق قرار می‌گیرد و صورتی متضاد با غایت هنری می‌یابد در هنر معماری اسلامی شکل اثر، صورت مجسم معناست و نه مغایر با معنا، چنان که پیامبر اسلام (ص) شکل چهار وجهی کعبه را با استناد به تسبیحات اربعه تبیین می‌کنند.

هنر و معماری اسلامی سه ساحت ظاهری برای معماری متصور است. صورت اول: شکل تمثیلی خانه و شهر خداست که در مکه با کعبه و در هر شهر اسلامی با مسجد تحقق می‌یابد. صورت دوم: خانه است که این نیز متناسب با ارزش‌ها و مفاهیم معنایی و معنوی شکل پیدا می‌کند و صورت سوم: شهر است که ماهیتی جدا از عوامل معنایی مؤثر بر خانه خدا و خانه مردم ندارد، بلکه به یک عبارت، صورت مرکب این دو معناست؛ یعنی شهر یک خانه بزرگ است که هویتی مجزای از خانه خدا و خانه مردم ندارد، بلکه تنها خانه‌ای وسیع‌تر و گسترش‌یافته‌تر است که به جای خانواده‌ای محدود، خانواده‌ای بزرگ‌تر را در خود جای داده است. از تأکید بر این معنا، نتیجه می‌گیریم که نباید در برنامه‌ریزی شهری به وسیله دولت اسلامی، تفاوتی بین برنامه‌ریزی‌های خانوادگی و شهری صورت گیرد.

۷. ابعاد زیست محیطی شهر اسلامی

به‌طور کلی عملکردهای انتظام بخش، دارای جنبه زیست‌شناسی (در رابطه با محیط) و یا جنبه‌ی جمعیتی (در رابطه با جمعیت و اعداد) و یا تخصصی و فناورانه (در رابطه با مکان انجام فعالیت‌ها) است (راپاپورت، ۱۳۸۴: ۴۱۴).

نخستین اصل بازگو کننده ویژگی یا ماهیت شهر اسلامی، همانا سازگاری طرح و شکل ساختمانی شهر با شرایط طبیعی اعم از موقعیت طبیعی و شرایط آب و هوایی بوده است. استفاده از مفاهیمی چون حیات خلوت، خیابان‌های سرپوشیده باریک و باغ‌ها، بیانگر این شرایط بوده‌اند. این قبیل عناصر به منظور تطابق با شرایط آب و هوایی گرم حاکم بر محیط زندگی مسلمانان طراحی می‌شده‌اند (غنی زاده، ۱۳۸۶: ۳۴). از ویژگی‌های شهرهای سنتی اسلامی، هم‌سازی کامل آن‌ها، با بوم طبیعی و شرایط طبیعی و اقلیمی بوده است به نحوی که هیچ گونه مخالفتی بین انسان و طبیعت در این زمینه وجود نداشته است. در این شهرها بیش‌ترین استفاده از نور، باد، سایه، و موادی که در دسترس بوده به عمل آمده و این مواد به گونه‌ای مورد استفاده قرار گرفته که اگر زمانی مردم شهر، شهر را ترک می‌کردند، این مواد به‌طور طبیعی به آغوش طبیعت باز می‌گشته است (نصر، ۱۳۸۶: ۵۶).

کارولین مرچنت، استاد فلسفه و تاریخ محیط زیست دانشگاه برکلی امریکا، در مورد عقاید مسلمانان نسبت به محیط زیست چنین می‌گوید: «اسلام نمونه درخشانی از آگاهی‌های زیست محیطی به دست می‌دهد. در دیدگاه اسلامی، انسان جانشین خداوند در روی زمین است. قرآن مجید تعلیم می‌دهد که کیهان، طبیعت و محیط، همگی آیاتی از آفریدگار جهان‌اند. در روی زمین هیچ دینی بر ضد تخریب محیط زیست و حیات جانداران، همچنین در برابر نابودی منابع و ثروت طبیعی اعطایی خداوند، چنین ندایی روشن در نداده است» (Merchant, 1992: 124).

اگرچه براساس شواهد و قراین موجود و گزارش WCED (۱۹۸۷) نابرابری، بزرگ‌ترین چالش سیاره محیطی ماست، به‌طوری که فقرا به‌خاطر بقای خود دست به نابودی محیط می‌زنند (Dobson, 1998: 14)، اما دین مبین اسلام ضمن نکوهش وجود فقر و نابرابری، ریشه آن را در اسراف و تبذیر دانسته و بهره‌برداری مشروع از نعمت‌های الهی و زیبایی‌های زندگی را روا و اسراف و زیاده‌روی را حرام و ناروا می‌داند. دلیل، آن است که مسلمان به تناسب امکانات و توانایی و کارایی خود، در برابر جامعه مسئولیت دارد. در این صورت اسراف کننده، به یقین، از اجرای مسئولیت و تعهدات اجتماعی خود باز می‌ماند و از این رهگذر بر پیکر جامعه ضربه می‌زند.

با وجود آموزه‌های گرانقدر قرآن کریم و سایر منابع اسلامی در زمینه شیوه رفتار و بهره‌برداری صحیح و اصولی از امکانات و منابع محیطی، با تأسف شاهد ناهنجاری‌های بسیاری در محیط زیست سرزمین‌های اسلامی هستیم که به‌طور عمده، ریشه در علل و عوامل زیر دارند:

الف- عدم آگاهی و بی‌توجهی به اصول و قوانین عالی‌ه اسلامی و درست به کار نیستن آن‌ها (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۷: ۳۳).

ب- بی‌اعتنایی حاکمان و زمام‌داران کشورهای اسلامی به اجرای دقیق اصول اسلامی از جمله در زمینه حفاظت از محیط زیست، به گونه‌ای که خود دولت‌ها نیز عاملی در تخریب جنگل‌ها،

بهره‌برداری بیش از حد از منابع و ذخایر زیرزمینی، آتش‌افروزی جنگ‌ها و... هستند.

ج- گسترش روزافزون روحیه فردگرایی و توجه به منافع آنی و فردی، به جای توجه به منافع عمومی و جمعی.

د- ضعف علمی و فنی، باعث ناآگاهی و در پرده ابهام ماندن بسیاری از واقعیات تلخ زیست محیطی در جوامع اسلامی شده است.

ه- وجود روحیه خرافه‌گرایی در بین برخی گروه‌های اسلامی باعث رفتار نامناسب با طبیعت و محیط زندگی شده است.

و- گسترش روحیه دنیاگرایی محض در بین مسلمانان.

ی- نقش استعمار در نابودی منابع کشورهای اسلامی و بروز آلودگی‌های زیست محیطی، مانند غارت منابع نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس و نیز پیامدهای ناگوار جنگ خلیج فارس.

۸. جنبه‌های اقتصادی شهر اسلامی

تبذیر برخلاف اسراف تنها واژه‌ای اقتصادی است. تبذیر از ریشه بذر، یعنی تفریق و پخش کردن چیزی، در اصل، از ریشه ریختن و پاشیدن بذر است که به طور استعاره درباره کسی که مال خود را بیهوده تلف و پخش کند، به کار رفته است و نیز گفته شده که تبذیر، انفاق مال در راه معصیت است. در مجموع بین واژه اسراف به معنی اقتصادی آن، با واژه تبذیر فرق زیادی وجود ندارد و به عبارتی هر تبذیری اسراف است ولی هر اسراف‌ی تبذیر نیست. در حدیثی از امام علی (ع) آمده است که "القص مثرأه و السرف مثوأة"؛ یعنی اقتصاد و میانه روی موجب ثروتمندی و اسراف و ولخرجی موجب سقوط و فقر می‌گردد. به علاوه زبان‌بارتر از همه، اسراف در بیت المال است که امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید: "إنّ اعظم خیائنة خیائنة الأمة"؛ بالاترین خیانت، خیانت به مردم است (بزی، ۱۳۸۹: ۶).

در زمینه مبارزه با اسراف، نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغات و ارائه الگوی صحیح مصرف و سرانجام برخورد عملی و قانونی با اسراف‌کاران می‌تواند کارساز باشد و از این همه خلاف و اختلاف جلوگیری کند.

انسان، محور اصلی و شکل دهنده فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و به تعبیر قرآن: اصطفی شده از طرف خداوند متعال است. او نه تنها در برابر خویش، جامعه و نعمت‌هایی که به او داده شده مسئول است، بلکه درباره آباد کردن جهان خویش نیز مسئولیت دارد. قرآن کریم می‌فرماید: "هو الذی انشأکم من الارض و استعمرکم فیها"؛ او شما را از زمین آفرید و آبادانی زمین را به شما واگذار کرد (سوره هود، آیه ۶۱) (بنار رضوی، ۱۳۶۵: ۹۵).

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "کاد الفقر ان یکون کفراً" یعنی نزدیک است که فقر به کفر بینجامد. از آنجا که آزادی فعالیت‌های اقتصادی همواره به سود ثروتمندان است، باید از طریق عدالت اجتماعی، این امر متعادل شود. برای رسیدن به این هدف حکومت می‌تواند از طریق اولویت دادن به فقرا در خط مشی‌های اقتصادی و مالی خویش و نیز از طریق سرمایه‌گذاری سنجیده در مناطق

فقیرنشین، فعالیت‌های اقتصادی خود را پیگیری نماید. امروزه جهان اسلام از توزیع بی تناسب ثروت در بین کشورها و حتی در داخل کشورها رنج می‌برد، در حالی که اسلام برای کمک به بخش فقیرتر، دعوت به کم کردن این شکاف می‌کند (تعاون و زکات). همچنین اسلام به حکومت سفارش می‌کند تا تمام معامله‌های غیر منصفانه و زیان بخش به حال جامعه، مثل وام‌های بهره دار، فروش مواد مخدر، احتکار نیازمندی‌های اساسی، حق انحصاری، فریب در معاملات و غیر آن را ممنوع کند (زین العابدین، ۱۳۷۷: ۵۹).

وقف، نمادی دیگر از اثر اسلام در محیط تولیدی به شمار می‌آید. وقف مقداری از مال، بویژه زمین است که وقف خداوند شده است تا درآمدش برای برخی هدف‌های مذهبی یا خیریه مانند نگهداری مسجد یا گرمابه یا کمک به مستمندان محل خاص به مصرف برسد (بیومونت، ۱۳۶۹: ۱۷۶). گفتنی است در قرآن کریم، آیه‌ای درباره وقف به طور خاص، وجود ندارد ولی درباره نیکوکاری و کمک به هم‌نوع و معاونت در کارهای برّ و خیر، مصالح عمومی و امور عام المنفعه توصیه شده است که همه آن‌ها اوامر ارشادی هستند (فیضی، ۱۳۷۲: ۳۴).

با استناد به دستورات اسلامی در زمینه اقتصاد شهری می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. ایجاد انگیزه‌های صحیح اقتصادی و پیروی از سیاست‌های مالی خاص تأثیر شایسته‌ای در کردار اقتصادی مردم و اوضاع اقتصادی شهرهای اسلامی دارد.
۲. انقلاب در طرز تفکر مردم به هدف نهایی فعالیت‌های اقتصادی، قسط، تعاون، اقتصاد و میانه روی در کسب معاش از راه حلال از جمله ارزش‌هایی هستند که همواره مورد توجه پیامبر اکرم (ص) بوده و اهمیت خاصی در زندگی اقتصادی مردم شهرهای اسلامی در گذشته داشته است.
۳. پیامبر همواره کوشش می‌کرد تا از طریق تلاوت آیات قرآن و آموزش تعلیم عالی اسلام، مسلمانان را به اصول و مقررات ازدیاد ثروت، تولید و مصرف آشنا کند. اصولی همچون حفظ مصالح جامعه و فرد و کنترل آن‌ها از طریق قواعد عدم اتلاف، حرمت اسراف، حرمت احتکار، تنظیم معاملات، بیان کسب‌های حرام از قبیل کم فروشی، قمار، ربا و غیر آن موجب می‌شود بین درآمد و صرف نیروی انسانی، هماهنگی لازم ایجاد و احترام به کار حفظ شود (بنار رضوی، ۱۳۶۵: ۹۳).

۹. جنبه‌های اجتماعی شهر اسلامی

نوع باورها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات کنشی مسلمین، چیدمان شهری را شکل می‌دهد و براساس آن حتی در فضای کالبدی شهر تأثیرگذار است. شهر صرفاً به عنوان معماری مطرح نیست، بلکه با کسانی که در آن زندگی می‌کنند مطرح می‌شود. خود کلمه شهر، جامعه‌ای را به یاد می‌آورد که باید منسجم، گرم و متحد باشد. در این صورت خیابان‌ها و کوچه‌ها به منزله راهرو و خانه‌ها به منزله اتاق‌هایی هستند که یک خانواده از آن‌ها استفاده

می‌کند. تمام شهر، یک خانه را تشکیل می‌دهد. از این جاست که تشبیهات و مقایسه‌های مربوط به معماری در قرآن فراوان آمده است. به این ترتیب، اسلام در بعد انسانی اش مطرح می‌شود (بمات، ۱۳۶۹: ۸۸).

برنامه اصلاحی قرآن، تنها جنبه فردی ندارد، بلکه به اصلاح اجتماع نیز به طور کامل نظر دارد. اصلاح اجتماع، متوقف بر اصلاح فرد است و ممکن نیست اجتماع صالح از افراد ناصالح و غیر متقی و پلید و ناپاک تشکیل شود. پس اجتماع سالم را تقوای افراد که عمومیت یافته و به عبارت دیگر، تقوای فردی تبدیل شده به تقوای اجتماعی، اصلاح می‌کند.

خطاب‌های عام قرآن، مانند "یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه" (سوره بقره، آیه ۲) اشاره به تقوای اجتماعی است و برعکس در اجتماع فاسد، روح طغیان و تجاوز حکم فرماست و طغیان فردی به طغیان اجتماعی تبدیل گردیده است. جامعه‌ای که افراد آن ناصالح باشند، به گونه‌ای که با قوه قهریه، بتوان نظم و انضباط را در آن برقرار نمود، به بقای آن اطمینانی نیست و خود یک نوع امر ساختگی و حرکتی قشری و اصلاحی کاذب است که قائم به غیر است و نه به خصایص روحی و تقوای باطنی و هر آن باید انتظار از هم پاشیدن آن نظم و اجتماع را داشت (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۳: ۴۱).

سازمان اجتماعی جامعه شهری براساس گروه‌بندی‌های اجتماعی مبتنی بر چشم اندازهای فرهنگی، خاستگاه‌های قومی و هم‌خونی مشترک استوار بوده است. بنابراین توسعه در جهت برآورده کردن این گونه نیازهای اجتماعی بویژه اتحاد، خویشاوندی، دفاع، نظم اجتماعی و اعمال مذهبی در حرکت بوده است. عواملی چون ساختارهای خانواده گسترده، حریم شخصی، تفکیک جنسی و تعامل اجتماعی نیرومند، به وضوح در شکل ساختمانی مترام منازل حیاط دار متجلی و متبلور شده است. مسائل اجتماعی و حقوقی تحت کنترل محققان و اندیشمندان مذهبی بوده که در مکانی نزدیک به مسجد اصلی (نهاد اجتماعی اصلی) و زندگی اجتماعی، جایی که بیشتر مشاجرات در می‌گرفته، زندگی می‌کرده‌اند. روابط اجتماعی و فیزیکی میان قلمروهای خصوصی و عمومی میان گروه‌های اجتماعی و محل‌ها، همچنین بازتاب دهنده قوانین شریعت (قانون اسلامی) بوده است. اصل حریم شخصی به قانون تبدیل شده که این موارد به همراه قانون مالکیت‌ها، از جمله عوامل تعیین کننده شکل یا فرم در شهر اسلامی بوده است (محمدی و شیخ بیگلو، ۱۳۸۷: ۳۹۵).

از جمله چالش‌هایی که شهرهای امروزی ما با آن‌ها درگیرند، مسائل و مشکلات روزمره و دوری آن‌ها از یکدیگر است، به گونه‌ای که در بسیاری از موارد با واژه روزمره‌گی مواجه می‌شویم. افزون بر آن، احساس تعلق داشتن به اهالی محله به همان اندازه نیرومند است که محدوده‌های آن به وضوح قابل درک است. شهر هر اندازه مهم‌تر و وسیع‌تر باشد، ساکنانش کمتر احساس می‌کنند که جزئی از آن هستند و در آن صورت، بیشتر احساس تنهایی و له شدن در

زیر چهارچوبی غول آسا که در آن به زندگی خود ادامه می‌دهند، خواهند داشت. ساکنان شهر بزرگ بر خلاف انتظار، اغلب خود را تنهاتر از روستائینان احساس می‌کنند. در مقابل، محله به عنوان نمونه فضای شهری، در مقیاس انسانی مورد مراجعه قرار می‌گیرد (باستیه و درز، ۱۳۸۲: ۴۴۱).

کاهش نفوذ خانواده و در نتیجه اختلال در روابط اجتماعی حاکم بر خانواده، در شهرهای امروزی ما زیاد دیده می‌شود. از بین رفتن تجانس اجتماعی و بی‌انسجامی که نتیجه تفکیک طبقات اجتماعی و ناهمگنی محدوده‌های جغرافیایی در شهر است، از چالش‌های شهرهای اسلامی قلمداد می‌شود. به دلیل گسترش کمی و کیفی نقاط شهری، روابط اجتماعی افراد، روش زندگی آن‌ها، ساختار شخصیتی و ... شهرنشینان تحت تاثیر قرار گرفته و به قول جامعه شناس شهری - لوئیس ورت - آن‌ها دیگر کمتر در امور غیر رسمی نظیر خانواده و دوستان شرکت می‌کنند، به این معنا که روابط انسانی، عاطفی و خویشاوندی در نقاط شهری به شدت کم رنگ می‌گردد (ربانی و ایازی، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

۱۰. جنبه‌های فرهنگی شهر اسلامی

نظام کالبدی و فیزیکی، پوسته بیرونی و ظاهر آشکار یک شهر است؛ باطن شهر، ماهیت اعتقادی و فرهنگی آن است. در عین حال تاثیر فراوان نظام کالبدی، در جهت بخشی به فرهنگ و ماهیت اعتقادی آن قابل انکار نیست. آرمان‌های اساسی شهر اسلامی در لایه‌های باطنی شهر و ضابطه‌های حاکم بر رابطه‌های شهروندی نهفته است و البته کالبد آن نیز در این بستر و از جهت هماهنگی و رابطه متقابلی که با درون آن برقرار می‌کند، اهمیت می‌یابد و نه مستقل از آن.

شهری که مطلوب فرهنگ اسلامی است بی هیچ تردید، آن شهری است که ساکنان آن را به آسمان مشترک اعتقادات دینی هر چه بیشتر متوجه سازد و همچون حقیقت همه ادیان که بر کرامت و عزت نفس انسان تأکید دارند، موجبات مکرمات نوع انسانی را فراهم آورد. شهری که نظام شهرسازی آن بر تراویده از نظام اعتقادی دینی است و بسترهای مناسبی را برای تامل انسان‌ها در خود و تدبر ایشان در صنع حضرت باری تعالی رقم می‌زند (باوندیان، ۱۳۸۷: ۸).

در یک شهر اسلامی قبل از هر چیز رفتارها و اصول شهروندی براساس آموزه‌های اسلامی و سنت‌های پیامبر، از اسلامی بودن شهر حکایت می‌کنند. هر شهر پر از مسجد و گنبد و مناره‌ای، شهر اسلامی نیست و این تجلی اندیشه‌ها و اعتقادات اسلامی شهروندان در سیمای شهر است که هویت آن را نشان می‌دهد. در یک شهر اسلامی از نظر فرهنگی باید این سه اصل وجود داشته باشد: عدالت‌گستری و شایسته‌سالاری، تکریم شهروندان و مهر‌پروری و در نهایت رونق اقتصادی و آبادانی که به اجرای دو مورد اول کمک می‌کند.

متون دینی به نوع نگاه و باورمندی شهروندان به مقوله ایمان، معناداری هستی و پیوند آن با معبود عالم اهتمام دارد و سامان

یافتگی شهر را وام‌دار و متوقف بر حضور و استقرار شهروندان عادل، صالح و مومن می‌داند (عماد و سنایی راد، ۱۳۸۷: ۳۰۲).
 به نظر می‌رسد که رویکرد اسلام نسبت به مقوله شهرنشینی و شهرسازی، رویکردی اساساً فرهنگی باشد. اصول فرهنگی زیادی در اسلام مورد توجه بوده که برخی از آن‌ها عبارتند از: عدم اعمال زیان و ضرر، ارتباط و وابستگی متقابل که بر بوم‌شناسی و تقویت ارزش‌های ناشی از آن تأکید می‌کند، حریم، احترام به مالکیت دیگران، عدم انسدادهای موقت یا دائم، تشویق به پاکیزگی، تشویق به مسئولیت‌پذیری و تکیه بر وجدان عمومی و (محمدی و شیخ بیگلر، ۱۳۸۷: ۳۹۴-۳۹۱).
 فرهنگ زنده و پویا نیاز دارد تا به‌طور پیوسته به حافظه جمعی‌ای ارجاع کند که در شکل و شمایل و قالب ساخت شهرهایش متجلی

می‌شود. محو شدن این مواد و عناصر منجر به از دست رفتن هویت و سرانجام وابستگی فرهنگی می‌گردد (کالاتنای، ۱۳۸۳: ۱۷).

۱.۱ یافته‌ها و نتایج

۱-۱۱. تبیین عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر شهر اسلامی

در راستای روش‌شناسی رویکرد تحلیل عوامل استراتژیک (SWOT) و شناخت فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و نقاط ضعف ناشی از عوامل بیرونی و درونی تأثیرگذار بر اهداف شهر اسلامی، راهبردهای موجود، عملکردها و منابع و ظرفیت‌های موجود مورد توجه و بررسی قرار گرفته که در جدول‌های زیر آمده است.

جدول شماره ۱: تبیین عوامل درونی (نقاط قوت و ضعف) ابعاد شهر اسلامی

نقاط قوت (strengths)	نقاط ضعف (weakness)
(کالبدی)	(کالبدی)
S1- وجود شهرهای هنرمندانه از نظر معماری	W1- نادیده گرفتن روح و هویت در معماری امروز
S2- طراحی‌های برگرفته از دین و ایدئولوژی در شهر اسلامی	W2- نادیده گرفتن شان جامعه اسلامی با ایجاد نماهای متنوع
S3- وجود مساجد، گلدسته‌ها و مناره‌ها	W3- ایجاد ساختمان‌های بلندتر از مساجد و اماکن مذهبی
S4- منظر شهری زیبا در شهرهای اسلامی	W4- نادیده گرفتن حریم‌های خصوصی و عمومی در طرح‌های معماری
S5- تعدیل خشونت‌های اقلیمی با طرح‌های معماری خاص	W5- فقدان فضاهای سبز و فضاهای گذران اوقات فراغت در حد نیاز و متناسب با جامعه اسلامی
S6- وجود امنیت در کالبد شهرهای اسلامی	
(زیست محیطی)	(زیست محیطی)
S7- سازگاری شکل و طرح ساختمانی شهر با شرایط طبیعی	W6- ضعف علمی و فناوری
S8- همسازی کامل با بوم طبیعی	W7- اقدام‌های بدون اندیشه دولت‌ها در زمینه محیط
S9- دستورات اسلام در زمینه حفاظت از محیط زیست	W8- عدم توجه به حکم اسلام و قرآن در زمینه حفظ محیط زیست
(اقتصادی)	(اقتصادی)
S10- در نظر گرفتن انسان به عنوان محور اصلی و شکل دهنده فعالیت‌های اقتصادی	W9- وجود نابرابری‌های اقتصادی در جوامع
S11- دستورات اسلام در زمینه اسراف، تبذیر، اموال و.....	W10- توزیع بدون تناسب ثروت
S12- دستورات اسلام در زمینه تعاون و زکات برای کم کردن نابرابری‌ها	W11- گسترش روحیه دنیاگرایی محض در بین مسلمانان
S13- ممنوع کردن تمام معامله‌های غیرمنصفانه و زیان بخش از طرف اسلام و توسط حکمت	W12- وجود اسراف و تبذیر در جامعه اسلامی
S14- استفاده از درآمد وقف در امور خیریه	
(اجتماعی)	(اجتماعی)
S15- وجود برنامه اصلاحی قرآن برای فرد و جامعه	W13- نادیده گرفتن تقوای اجتماعی در جوامع
S16- وجود تقوای اجتماعی در شهر اسلامی	W14- وجود افراد ناصالح در اجتماع
S17- وجود نظم و انضباط اجتماعی بر اساس اصول اسلامی	W15- گسترش روز افزون روحیه فردگرایی و توجه به منافع آنی و فردی
S18- تفکیک قلمروهای خصوصی و عمومی در جهت بازتاب قوانین شریعت اسلام	
S19- اصل حریم شخصی در اسلام	
(فرهنگی)	(فرهنگی)
S20- وجود رفتارها و اصول شهروندی بر اساس اصول اسلام	W16- ضعف فرهنگی در جوامع اسلامی
S21- تجلی اندیشه‌ها و اعتقادات در هویت شهر	W17- عدم وجود رفتارهای مناسب در شان یک فرد مسلمان
S22- عدالت گستری و شایسته‌سالاری و تکریم شهروندان	

جدول شماره ۲: تبیین عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدهای) ابعاد شهر اسلامی

تهدیدها (Threats)	فرصت‌ها (Opportunities)
<p>(کالبدی)</p> <p>T1- الگوبرداری از طرح‌های معماری نوین در شهرهای اسلامی</p> <p>T2- نادیده گرفتن ویژگی‌های عناصر شهر اسلامی مانند تسلط مسجد بر سایر بناها</p> <p>T3- ایجاد آسمانخراش‌ها در شهرهای اسلامی به دنباله روی از شهرهای اروپایی</p> <p>T4- شکست سازمان سنتی شهر اسلامی</p> <p>T5- کمبود فضاهای آموزشی، بهداشتی، مسکن مناسب و کاربری‌های سازگار</p> <p>(زیست محیطی)</p> <p>T6- نابودی محیط در اثر فقر حاکم در شهرها برای بقا</p> <p>T7- عدم آگاهی و بی توجهی به اصول و قوانین برتر اسلامی</p> <p>T8- بی‌اعتنایی دولتمردان در زمینه حفاظت محیط زیست</p> <p>T9- افزایش آلودگی‌های صوتی و زیست محیطی که از پیامدهای مدرنیته است.</p> <p>(اقتصادی)</p> <p>T10- عدم بکارگیری صحیح اصول و قوانین اسلامی در فعالیت‌های اقتصادی</p> <p>T11- رایج شدن کسب‌های حرام مانند کم فروشی و ... در بازارهای اسلامی</p> <p>T12- نادیده گرفتن اصول اسلامی در تجارت</p> <p>T13- رواج اسراف و تبذیر در جامعه اسلامی</p> <p>T14- نرخ بالای بی‌کاری</p> <p>(اجتماعی)</p> <p>T15- ایجاد روزمره‌گی در جوامع اسلامی</p> <p>T16- عدم احساس وابستگی به محیط</p> <p>T17- شکست ساختار روابط اجتماعی</p> <p>T18- عدم وجود محیط اجتماعی سازگار با افراد و از بین رفتن همگنی اجتماعی</p> <p>T19- کاهش نفوذ خانواده</p> <p>T20- تفکیک طبقاتی محله‌ها</p> <p>(فرهنگی)</p> <p>T21- نادیده گرفتن اصول اسلامی</p> <p>T22- عدم همپایی همه شهرها در توسعه شهری و رسیدن به معیارهای لازم</p> <p>T23- دگرگونی عقاید و باورها و پیروی از الگوهای رفتاری غرب</p>	<p>(کالبدی)</p> <p>O1- ضوابط اسلام در زمینه در نظر گرفتن نفع عمومی و نیازهای مردم</p> <p>O2- حق استفاده از کلیه مکان‌های عمومی در شهر برای همه</p> <p>O3- بهره‌گیری از معماری اصیل اسلامی در همه ساختمان‌های دولتی و عمومی</p> <p>(زیست محیطی)</p> <p>O4- بهره‌گیری از اصول اسلامی در زمینه آگاهی‌های زیست محیطی</p> <p>O5- اشاره صریح قرآن به حفظ منابع طبیعی</p> <p>O6- دستورات اسلام در زمینه نگهداری از سکونتگاه‌های اسلامی و تعادل‌های زیست محیطی</p> <p>O7- مشارکت مردم شهر اسلامی در زمینه سالم سازی محیط</p> <p>(اقتصادی)</p> <p>O8- ایجاد انگیزه‌های صحیح اقتصادی و پیروی از سیاست‌های مالی خاص</p> <p>O9- تغییر نگرش مردم در زمینه امور اقتصادی</p> <p>O10- بیان حقوق اقتصادی در قرآن و تعالیم دینی</p> <p>O11- نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر</p> <p>(اجتماعی)</p> <p>O12- بهره‌گیری از آیات قرآن و احکام اسلامی در زمینه روابط اجتماعی</p> <p>O13- ایجاد امت واحد اسلامی بر اساس وحدت</p> <p>O14- وجود امنیت در اجتماع</p> <p>(فرهنگی)</p> <p>O15- نظام شهرسازی برگرفته از نظام اعتقادات دینی</p> <p>O16- اصول اسلام و آیات قرآن در این زمینه</p> <p>O17- عدم اعمال زیان و ضرر، تشویق به پاکیزگی و ...</p>

۱۲. تبیین راهبردها در شهر اسلامی

برای تحقق شهر اسلامی، شایسته است اصول و ضوابطی را در نظر گرفت و جهت‌گیری‌های معقول و مناسبی را آغاز نمود. راهبردهای مناسب در این زمینه عبارتند از:

۱۲-۱. بعد کالبدی شهر اسلامی

- در بحث ابعاد کالبدی و ریخت‌شناسی شهر که شامل نظام منطقه بندی، کاربری زمین، ایجاد فضاهای عمومی، منظر شهری و ... می‌شود، سزاوار است که این برنامه ریزی‌ها منطبق بر برنامه‌های اجتماعی- اقتصادی باشد تا شاهد رشد همه جانبه، همگون، موزون و متناسبی باشیم؛ به عنوان مثال، ایجاد فضاهای عمومی، از جمله احداث پارک‌ها و فضاهای سبز باید متناسب با جنبه‌های فرهنگی- اجتماعی جامعه مسلمانان و تا حد امکان، منطبق با معیارهای جهانی باشد تا زمینه بروز خلاقیت و ابتکارات و نوآوری‌ها فراهم شود.

- ایجاد امکانات آموزشی، بهداشتی و حفظ سلامت عمومی باید متناسب با جمعیت و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی جهان فراهم گردد تا امکان استفاده برای همگان تسهیل گردیده و بهزیستی همگانی و فراگیر مورد نظر برنامه‌ریزان باشد. در حوزه تامین مسکن مناسب، فرهنگ‌سازی متناسب با داشته‌ها و فرهنگ دینی لازم است که

این امکان از راه‌های مختلفی از جمله اجاره‌های طولانی مدت، اعطای وام‌های دراز مدت و ... متناسب با هر شهر می‌تواند عملیاتی شود^۱.

- تدوین و اجرای معیارهای مربوط به بافت کالبدی شهر برای جلوگیری از اعمال ضرر و زیان^۲ به حقوق شهروندان از راهکارهای دیگر است؛ به عنوان مثال تاکید بر رعایت مقررات مربوط به ارتفاع ساختمان‌ها برای بهره‌مندی همه ساکنان شهر از نور کافی و هوای طبیعی و همچنین عدم اشراف به حریم خصوصی افراد.

۱۲-۲. بعد زیست محیطی شهر اسلامی

در بحث ابعاد زیست محیطی، راهکارها عبارتند از:

- رعایت دستورات اسلامی به منظور نگهداری از تعادل زیست محیطی و سالم‌سازی محیط و سکونتگاه‌های انسانی.

- همکاری جهانی تمامی ادیان و مذاهب در حفظ و نگهداری از تمامیت محیط طبیعی زیستی کره‌زمین.

- تقویت آگاهی‌ها و باورهای دینی، برای همزیستی مسالمت‌آمیز با طبیعت، اجتماع و

- منظور نمودن حقوق نسل‌های آینده در بهره برداری از منابع.

- تعلیم و تربیت فرزندان بر اساس احترام به طبیعت و شناخت اصول زندگی سالم.

- عدالت اجتماعی اقتضا می‌کند که در نظام تصمیم‌سازی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، وضع قانون‌ها و مصوبه‌ها به این اصل مهم توجه کافی شود تا یک‌یک شهروندان نسبت به پخش امکانات و اختصاص درآمدها و صرف هزینه‌ها احساس رضایت کرده و نسبت به کارگیری عدالت اجتماعی در گستره شهری خشنود باشند (ربانی و ایازی، ۱۳۸۷: ۱۶۲).

نتیجه‌گیری

شهر اسلامی که وجودش همواره با تفسیر عجین بوده، کلیتی منظم را شکل بخشیده که زندگی انسان مسلمان را هم در درون ساختار هندسی آن و هم در تعامل با هندسه عمومی دولت اسلامی هدایت کرده است. از این رو باید بگوئیم تا این محیط قدیمی مسلمانان را درک و تحلیل نماییم. زیرا این محیط‌ها یگانه نمونه‌های نخستین هستند که می‌توانند تجارب تاریخی و ارزش‌های اسلامی درباره «شهر» را تغذیه کنند.

در شهر اسلامی، ماده و معنا، کالبد و هویت، هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرد که در درون خود جنبه‌های مختلف زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود و در نظر گرفتن همه این جنبه‌ها، تعادل زیستی و رسیدن به کمال است، در صورتی که توجه بیش از حد به هر یک از ابعاد و نادیده گرفتن ابعاد دیگر می‌تواند چالش‌ها و بحران‌های زیادی را در جوامع اسلامی در بر داشته باشد. بنابراین توجه به شهر اسلامی از دیدی فراتر از منظر که همان گنبدها و مناره‌هاست باید صورت گیرد و بعد انسانی نیز باید با آن عجین باشد. مبانی و اصول ارائه شده از طرف اسلام به دلیل جامع و کامل بودن از نظر کلیه جوانب زیست شهری، کارایی لازم را در رویارویی با چالش‌های شهری امروز دارد. بنابراین، در نظر گرفتن موارد زیر می‌تواند تا حدودی یاریگر باشد:

- آیات قرآن برای طراحی و ساخت محیط زندگی، جزئیاتی را که مربوط به امور فنی و راهکارها هستند (به ظاهر) معرفی نمی‌نماید؛ ولی اصولی را مطرح می‌کند که این اصول باید در تمام شئون زندگی انسان و از جمله ساخت شهر و محیط زندگی لحاظ گردند. این لحاظ نمودن، سبب خواهد شد که اگرچه اینکه شهرهای مسلمانان در نقاط جهان و در شرایط اقلیمی متفاوت و امکانات و مصالح گوناگون بنا می‌شوند، دارای روح و هویت مشترک و واحدی باشند.

- تبیین مبانی نظری شهرسازی اسلامی، یک ضرورت است. از این مبانی نظری در صورت تدوین شدن، معیارهایی قابل استخراج خواهند بود که چنانچه در دسترس عموم بویژه طراحان و برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد، امکان ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌ها، بافت‌های شهرهای تاریخی و جدید و ایده‌ها و الگوهای وارداتی فراهم خواهد شد.

- اصلاح و دگرگون‌سازی جنبه‌های مختلف الگوی زیست به سمت الگوهایی که امکان نمایش و رعایت ارزش‌های اسلامی و قرآنی جامعه را فراهم نمایند، یک ضرورت است. در این راه بازگشت به فرهنگ قرآنی، محور خودبیبگانگی، رفع احساس حقارت در مقابل بیگانه و تکیه و مباحثات به فرهنگ قرآنی توجه جدی را طلب می‌نمایند.

- همه ملت‌ها باهم به توافق برسند تا انرژی و سرمایه‌ای که در حال حاضر به سلاح‌های نظامی اختصاص یافته، تغییر مسیر داده، صرف مبارزه با آلودگی و بهبود زندگی همگان گردد.

- توجه به انسان به عنوان محور اصلی توسعه پایدار و شایسته برخورداری از زندگی سالم، پربار و هماهنگ با طبیعت.

- تقویت وطن دوستی نوین که بر اساس آن، همه مردم کره زمین، همه جای این سیاره را وطن خود بدانند.

۱۲-۳. بعد اقتصادی شهر اسلامی

نیازسنجی و بررسی توان شهروندان در تامین نیازهای اقتصادی، دو عامل اساسی در برنامه‌ریزی و عملیاتی کردن طرح‌هاست. با توجه به این ویژگی، هرگونه برنامه‌ریزی و اجرا باید نتایج زیر را به دنبال داشته باشد:

- افزایش درآمد سرانه در جهت تامین نیازهای اولیه و احیای کمک به هموعان در جامعه دینی.

- احیای فرصت‌های اشتغال برای همگان متناسب با شرایط فرهنگی - اجتماعی صاحبان شغل‌ها تا ضمن تامین نیازهای آنان، وجهه اجتماعی شهروندان لطمه نبیند و شوق و علاقه‌مندی آنان را به دنبال داشته باشد.

- وجود مهارت‌ها و شغل‌ها متعدد، متناسب با رشد نیروی کار در شهر تا صاحبان شغل‌ها متناسب با انگیزه و توان خود، کار مورد علاقه شان را انتخاب کنند.

- سرمایه‌گذاری و تشویق سرمایه‌گذاران به جهت‌گیری‌های اقتصادی تامین‌کننده منافع عمومی.

- زدودن جلوه‌های فقر از سیمای شهر اسلامی از راه توسعه اقتصادی، اقدامات بهسازی و نوسازی فضاهای شهری.

۱۲-۴. بعد اجتماعی شهر اسلامی

انسجام اجتماعی یکی از ویژگی‌های شهر اسلامی است که می‌توان با اعمال سازوکارهایی آن را تقویت نمود؛ همچنان‌که متن‌های دینی، روش‌های متعددی را برای ایجاد چنین امری توصیه می‌کنند؛ شامل:

- زمینه‌سازی برای مشارکت حداکثری شهروندان می‌تواند منجر به تقویت انسجام اجتماعی شود؛ به عنوان مثال، برنامه‌ریزی و عملیاتی کردن شهر مطلوب به وسیله نخبگان یک شهر می‌تواند توسط انتخابات صورت گیرد و این امر یکی از شیوه‌های مشارکت حداکثری است.

- حمایت از مستمندان و قشرهای کم درآمد شهری و ارتقای سطح زندگی و معیشتی آنان که خود می‌تواند همبستگی اجتماعی را افزایش دهد. در صورت وجود نداشتن امکانات نیز، باید با گشاده‌رویی و رعایت ادب، کاستی‌ها را تشریح کرده و آنان را در رفع مشکلات، مشارکت داد و از آنان چاره‌جویی کرد.

۱۲-۵. بعد فرهنگی شهر اسلامی

- در بحث فرهنگی، بهره‌مندی از عقاید نواندیشان، هنرمندان، عالمان دینی و تمام قشرها که می‌توانند در ارتقای بینش شهروندی و ایجاد شهری سالم و مترقی کمک کنند، مبارزه و برخورد با افکار واپسگرایانه که باعث افت و افول ایده‌های نو می‌شود و ... دارای اهمیت است.

۱۳. ربانی، رسول و ایازی، سید علی نقی (۱۳۸۷). تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهرنشینی با تاکید بر متون دینی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان.
۱۴. رضایی برجکی، اسماعیل (۱۳۸۵). هویت و کارکرد آن، چکیده مقالات برگزیده دومین همایش علمی کاربردی ... تا آرمان شهر رضوی، مشهد.
۱۵. زین العابدین، طیب (۱۳۷۷). «زکات و کاهش فقر در جهان اسلام»، فصلنامه مشکوه، شماره ۵۹-۵۸، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۶. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۶۸). بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد.
۱۷. طباطبایی، علامه سیدمحمدحسین (۱۳۹۸ق). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم.
۱۸. عریان، مرضیه (۱۳۷۴). شهرهای کشورهای اسلامی، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم کرمان، جلد نخست، سازمان میراث فرهنگی کشور، اسفند.
۱۹. عماد، سید علی و سنایی راه، عباسعلی (۱۳۸۷). مولفه‌های شهر اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان.
۲۰. غنی زاده، مسعود (۱۳۸۶). نگاهی به شهر در تمدن اسلامی، سایت باشگاه.
۲۱. فیضی، علیرضا (۱۳۷۲). «وقف و انگیزه‌های آن»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۴.
۲۲. گالاتسای، اروین (۱۳۸۳). کلان شهرها و هویت اسلامی در جستجوی بقا، ترجمه مهدی افشار، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول، تهران.
۲۳. محمدی، جمال و شیخ بیگلر، رعنا (۱۳۸۷). کارایی شهر اسلامی در مواجهه با چالش‌های شهری امروز، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان.
۲۴. موریس، جیمز (۱۳۸۱). تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، ترجمه راضیه رضازاده، جلد دوم شهرهای کشورهای اسلامی خاورمیانه و امپراتوری اسپانیا، مهندسی مشاور فجر توسعه، جهاددانشگاهی علم و صنعت.
۲۵. نصر، سید حسین (۱۳۸۶). ادبیات و هنر در تمدن اسلامی، www.iran-eng.com/showthread
۲۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۷). سیمای مدینه منتظران، دومین اجلاس دو سالانه بررسی وجودی حضرت مهدی (عج)، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۲۷. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰). دانشنامه موضوعی قرآن کریم.
۲۸. واعظ زاده خراسانی، محمد (۱۳۷۳). «تاثیر قرآن در جنبش فکری نهضت علمی، تمدن و تکامل بشری»، فصلنامه مشکوه، شماره ۴۲، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
- 29-Dobson, Andrew (1998). **Justice and the Environment, Conceptions of Environmental Sustainability and Theories of Distributive Justice**. Oxford University press.
- 30-Naghizadeh, Mohamad (1995). **Principles of the Contemporary Islamic Urban Design The University Elimination of Conflicts in Muslim Built Environments**. Unpublished phd Thesis The of New South Wales. Sydney.
- 31-Merchant, Carolyn (1992). **Racial Ecology**. Rutledge.
- 32-Robertson, Iain (2003). **Studying Culture Landscapes**. Arnold, London.

- شناخت نقاط قوت و ضعف ابعاد مختلف شهر اسلامی و بهره‌گیری از ارائه راهکارهای مناسب در جهت تقویت فرصت‌ها و به کارگیری راهبردهای مطلوب برای مقابله با تهدیدها باید سرلوحه کار برنامه‌ریزان و شهرسازان قرار گیرد. خلاصه این‌که با عنایت به صفاتی که در کلام الهی ذکر شده، امکان و لزوم وجود شهر اسلامی روشن می‌شود نه با ساخت گنبدها و مناره‌های پرزرق و برق و نوین. بر این اساس تمامی طراحی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تأسیس ساز و کارها و نهادینه شدن آن، باید در چهارچوب‌های یاد شده و با رعایت بایستگی‌ها و قاعده‌های مبتنی بر آن صورت گیرد.

پی‌نوشت‌ها

- در این زمینه بر اساس اصل «عدم عسر و حرج» چنانچه وضعیت موجود فضاهای شهری یا مسکن به لحاظ ارائه خدمات ضروری و اضطراری شهروندان، ناکارآمد و عسرآفرین و مشقت‌آور باشد، می‌بایست اصلاح گردد.
- برابر قاعده «لاضرر» در فقه، هرگونه رفتار و اقدام در حوزه‌های کرداری و چه در حوزه‌های قانون‌گذاری که موجب ضرر و زیان بر دیگران و لازمه آن زیان دیدن دیگران باشد، علاوه بر ممنوعیت و حرمت، ضمان آور نیز هست و زیان رساننده نسبت به خسارت وارده ضامن است.

فهرست منابع و مراجع

- احمدیان، محمد علی (۱۳۸۲). ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی، انتشارات سخن گستر، مشهد.
- باستیه، ژان و درز، برنارد (۱۳۸۲). شهر، ترجمه علی اشرفی، انتشارات دانشگاه هنر، تهران، چاپ دوم.
- باوندیان، علیرضا (۱۳۸۷). آموزه‌های معنوی و الزامات شهرسازی، سایت باشگاه اندیشه.
- بزی، خدارحم (۱۳۸۹). تاملی بر محیط زیست و پایداری آن در اسلام، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.
- بمات، نجم‌الدین (۱۳۶۹). شهر اسلامی، ترجمه محمد حسین حلیمی و همکار، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- بنار رضوی، محمد مهدی (۱۳۶۵). «نظری بر ساخت الگو در نظام اقتصادی اسلام»، فصلنامه مشکوه، شماره ۱۱، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
- بورکهاردت، تیتوس (۱۳۷۰). نقش هنرهای زیبا در نظام آموزشی اسلام، ترجمه سید محمد آوینی، جاودانگی و هنر- برگ، تهران.
- بیومونت، پیترو و همکاران (۱۳۶۹). خاورمیانه، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- پهلوان، پارسا (۱۳۸۵). بازیابی هویت در ساختن شهر آرمانی، چکیده مقالات برگزیده دومین همایش علمی کاربردی ... تا آرمان شهر رضوی، مشهد.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۶۹). شیوه‌های معماری ایرانی، مؤسسه نشر هنر اسلامی، تهران.
- توسلی، محمود (۱۳۷۹). «شهر کانون فرهنگ»، مجله هنرهای زیبا.
- راپاپورت، آموس (۱۳۶۶). منشأ فرهنگی مجتمعات زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، دانشگاه علم و صنعت.

